



دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۱۲۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۲۲</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ مطابق ۱۲ ذیحجه ۱۳۴۸</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجہ دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ * (پنجم ذی حجه ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- (۴) شور اول لایحه بلدییه ها
- (۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) اقتراع شعب
- (۳) اعلان وصول سواد رای دیوان عالی تمیز

جلسه يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بريايت آقای دادگر تشكيل گرديد

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس يك شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه را آقای موید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

- | | |
|----------------------|----------------------------|
| رئیس - آقای فرشی | رئیس - آقای زوار |
| فرشی - قبل از دستور | زوار - بنده عرضی ندارم |
| رئیس - آقای فهیمی | رئیس - آقای فیروز آبادی |
| فهیمی - قبل از دستور | فیروز آبادی - قبل از دستور |

* عین مذاکرات مشروح صدو بیست و دومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که در صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : حیدری - پور محسن - سبید کاظم - هفتی - محمد ولی میرزا - کاشانی - همراز - لرستانی - اورنگ - طباطبائی بروجردی - رفیم - تیمور تاش

غائبین بی اجازه - آقایان : امیر ابراهیمی - میرزا حسن خان وثوق - بوشهری - فولادوند - اعظم - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : فهیمی - افخمی - طلوع - زوار - دهستانی - عدل - اسدی - قدوحی - طباطبائی وکیلی - حکمت - ذو القدر .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا يك كلمه نوشته بود امور حقوقیه امور حقوقی باید نوشته شود

رئیس - اصلاح ادبی است. آقای افسر

افسر - بنده در قانون بلديه عرض دارم

رئیس - آقای عدل

عدل - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظر دیگری نیست؟ (خیر)

بعضی از نمایندگان - دستور دستور

[۲ - اقتراع شعب]

رئیس - وارد دستور شویم؟ (بلی) دوره شعب

بانتها رسیده است و میبایستی ما شعب جدید را انتخاب کنیم صد و چهارده نفر از وکلا حاضرند تقسیم به شش شعبه هر شعبه نوزده نفر میشود که حالا اقتراع میکنیم [آقای مؤید احمدی (منشی) اقتراع نمودند نتیجه بطریق ذیل حاصل شد]

شعبه ۱ - آقایان : ایزدی - میرزا حسن خان ونوق بنکدار - همراز - عبدالحسین خان دیبا - صادقی - فیروز آبادی - آقا زاده سبزواری - دهستانی - رحیم زاده نوبخت - شریعت زاده - ذوالقدر - اسکندری - حاج غلامحسین ملک - آشتیانی - کیای نوری - زوار - محمد حسن خان مسعودی .

شعبه ۲ - آقایان : طالش خان - سید ابراهیم ضیاء کازرونی - جلائی - ملک آرائی - کفائی - فرخی دبستانی - محمد آخوند - اعتبار - ارباب کیخسرو - فرشی - جهانشاهی - امیر ابراهیمی - احتشام زاده - حکمت - یاسائی - مجد ضیائی -

شعبه ۳ - آقایان : محمد ولی میرزا - فهیمی -

طباطبائی وکیلی - خان محمد خان حبیبی - افخمی

جمشیدی - حاج میرزا حبیب الله امین - فولادوند -

قراگوزلو - بزرگ نیا - آقا شیخ علی مدرس - امیرحسین خان ایلخان - سید حسین آقابان - محمدعلی میرزا دولتشاهی - حاج علی اکبر امین - روحی - شیخ الملك - قاضی نوری - حاج آقا رضا رفیع -

شعبه ۴ - آقایان - خواجهوی - فرج الله خان آصف عامری - مرآت اسفندیاری - حاج آقا حسین رهبری - غلامحسین میرزا مسعود - امیر تیمور کلالی - میرزا حسین خان موقر - میرزایانس - ملک مدنی - تیمور تاش - آقا سید کاظم یزدی - عدل - امیردولتشاهی دکتر ظاهری - طباطبائی دیبا - مصباح فاطمی - میرزا علی خان اقبال - طلوع

شعبه ۵ - آقایان : حاج سید محمود - الفت - آقا سید محمد تقی طباطبائی - قوام - سلمان خان اسدی - مؤید احمدی - عراقی - افسر - ظفری - آقا سید مرتضی ونوق - آیت الله زاده شیرازی - شهداد دکتر عظیمی - لاریجانی - مولوی - آقا سید یعقوب - هزار جریبی - نجومی - دشتی

شعبه ۶ - آقایان : محمد تقی خان اسعد - بالیزی - دربانی - محمود خان ناصری - حسنعلی میرزا دولتشاهی دکتر سنک - وهاب زاده - ملک زاده - مقدم - ارگانی دادگر - امین پور محسن - حمد الله بیات ما کوئی - سهراب خان ساکنیان - فتوحی - دکتر اقمان - عباس میرزا فرمانفرمایان - دیوان بیکی - مخبر فرهمند [۳ - اعلام وصول سواد رای دیوان عالی تمیز]

رئیس - از آقایان نمی میشود که هیئت رئیسه شعب و کمیسیون عرایض و تکررات را بسرعتی که متناسب با اقدام پیش بوده است انتخاب کنند و برای استحضار مجلس عرض میکنم که موافق ماده ۱۲ از قانون محاکمه وزراء سواد حکم تمیز دایره محکومیت شاهزاده فیروز میرزا به مجلس رسیده است .

[۴ - شور اول لایحه بلديه ها]

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع بلديه ها مطرح

است قرائت میشود :

خبر از کمیسیون داخله بمجلس شورای ملی

کمیسیون داخله لایحه نمره ۲۲۱۴۷ راجع به بلديه ها را با حضور آقای وزیر داخله در جلسات متعدد مطرح شور و مذاقه قرار داده و با جلب نظریه بعضی از آقایان نمایندگان که در کمیسیون دعوت شده بودند لایحه مزبور را بقرار شرح ذیل تنظیم و اینک خبر آنرا تقدیم ساحت مجلس مقدس شورای ملی مینماید : ماده اول - از اول امر داد ماه سهم بلديه ها که از محل مالیات راه تأدیه میشد باستثنای مبلغی که در ماده ۲ مذکور است بر اعتبار راه سازی اضافه میشود تبصره ۱ - صرفه جوئیهای سابق بلديه هر محل تا تاریخ اول مرداد ۱۳۰۹ اختصاص به بلديه همان محل خواهد داشت

تبصره ۲ - صدی دو بودجه ۱۳۰۸ بلديه های ولایات که برای اجرت مهندس بلدی تخصیص داده شده است نیز تا اول مرداد ۱۳۰۹ آنچه صرفه جوئی میشود باختیار وزارت داخله گذاشته خواهد شد که کماکان اجرت مهندسين را از این محل پرداخت نمایند ماده دوم - مبلغ پانصد هزار تومان در هر سال از عواید مالیات راه برای تعمیرات اساسی شهر تهران و مبلغ سیصد هزار تومان برای تعمیرات شهر های ایالات و ولایات تخصیص داده میشود

ماده سیم - اداره کردن امور بلدی هر محل در حدود وظایفی که در نظام نامه مقرر خواهد شد برعهده انجمن و اداره بلدی همان محل است

ماده چهارم - رئیس اداره بلديه که از طرف وزارت داخله معین میشود مسئول اجرای پروگرام اصلاحات بلدی است که از طرف دولت و یا از طرف انجمن بلدی تصویب شده باشد

ماده پنجم - انجمن بلدی هر محل از نمایندگان طبقات تجار و اصناف و مالکین (اعم از مالکین مستغلات و مالکین املاک مزروعی) آن شهر تشکیل خواهد

شد عده اعضاء انجمن بلدی در پایتخت و سایر شهر ها بر حسب مقتضیات محل از شش تا دوازده نفر خواهد بود شرایط منتخبین و منتخبین و طرز انتخاب و وظائف و مدت تصدی اعضاء انجمن و سایر وظایف آنها مطابق نظامنامه که بتصویب کمیسیون داخله مجلس شورای ملی خواهد رسید معین خواهد گردید

ماده ۶ - مجلس شورای ملی بانجمن های بلدی اجازه میدهد که برای تامین مصارف بلدی هر محل از نقطه نظر نظایفات و تعمیرات و احتیاجات صحی و معارفی بلدی عوارض محلی وضع نماید

طرز وضع عوارض مزبوره بین نحو خواهد بود که انجمن بلديه هر محلی عوارضی را که برای تامین مقاصد مذکوره در فوق لازم میدانند توسط رئیس بلديه محل بوزارت داخله پیشنهاد خواهد نمود و پس از تصویب هیئت دولت بموقع اجراء گذارده خواهد شد

ماده ۷ - پس از تشکیل انجمن بلدی هر محلی هر مبلغ که از اعتبار حاصله در ظرف دو مه باقی مانده باشد باختیار بلديه آن محل برای احتیاج بلدی گذارده خواهد شد

ماده ۸ - قانون بلديه مصوب ۱۳۲۵ ملغی است ماده ۹ - این قانون پس از تصویب بموقع اجراء گذارده میشود و قوانین دیگری که با این قانون مبادیت دارد ملغی است

رئیس - کمیسیون بودجه بملاحظه جنبه خرجی که لایحه داشته است راپرت خودش را داده است که قرائت میشود :

خبر کمیسیون بودجه

کمیسیون بودجه در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۹ حضور آقای وزیر داخله تشکیل و خبر کمیسیون مطرح داخله که بر اثر لایحه نمره ۲۲۱۴۷ دولت راجع به تغییر قانون بلديه و انتقال اعتبار مالی مخصوص بان راه سازی تقدیم مجلس شورای ملی شده بود مطرح نموده نسبت بمفاد ماده اول و دو تبصره آن و هم چنین ماده

دوم خبر کمیسیون داخله که مربوط بخرج است بعد از مختصر مذاکره موافقت حاصل و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد رئیس - مذاکره در کلیات است. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - هر چند بواسطه این قضیه هائله که اتفاق افتاده است وظیفه ما این بود که مجلس را هم تعطیل کنیم بلکه هر مجلسی که بر خلاف صورت مصیبت شد تعطیل بشود حق نمایش ها و هر چه هست مگر به نمایش حال آنها که فکری بحال آن بیچارگان بشود (رئیس - آقا در قانون صحبت کنید) ولی چون بحمد الله از طرف شخص اعلیحضرت و دولت اقدامات وافی و کافی شده است ما بهمان اکتفا میکنیم دیگر در آن موضوع سوالی نمیکند و امید وارم که حال آنها بواسطه نظریات دولت و شخص اعلیحضرت و مجلس شورای ملی بخصوص وکلای آذربایجان نسبتاً یک حال بهبودی پیدا بشود دیگر در این موضوع صحبت نمیکند چیزی که هست در این تشکیل بلدییه قانونی است که حالا مطرح است عرض میکنم هر قانونی هر چیزی که در مملکت تشکیل میشود بجهت آسایش مردم است اگر یک قانونی در مملکت تشکیل بشود که خدای نخواستہ اسباب زحمت مردم باشد آن قانون ببرد مملکت نخواهد خورد در این جن بلدییه قانونی بنا شده است تشکیل بشود قانونی را بنده منکر نیستم بلکه در هر مملکتی که بنا شد قانونی باشد باید تمام امورش قانونی باشد و بر خلاف قانون خود سرانه هیچ امری در آن مملکت از جزئی و کلی صورت نگیرد و الا هرج و مرج است. حالا در این قانون چیزش که خوبست این است که خوب انجمن بلدی تشکیل میشود بانتهای خوب خود ملت اما چیزش که بر ضرر این ملت است به نظر بنده این است که این بلدییه جدیدی که بنیاد قانونی تشکیل شود یک خرجهای فوق العاده دارد خرج آنرا مجدداً بنیاد که خود ملت عهده دار شود هر چند تمام پولها مال خود ملت است بغیر از ملت بحمد الله کسی پول نمیدهد آن پولهای صد کروریا

صد و بیست کروری که امسال تصویب شده است همه مال ملت است ما این مال را بجز مال ملت کسی دیگر نمیدانیم و عقیدمان همین است و عمل هم بر همین است که تا آن دینار آخر بمصرف خود ملت برسد انشاء الله هم میرسد اما اگر این بلدییه قانونی که تشکیل شد بخواد یک مالیات جدیدی بملت بیندند بنده با این عقیده موافق نیستم چرا؟ برای این که گنجایش ندارد که بر این ملت دیگر تحمیلی بشود. ملت نقداً بر تمام چیزها بش مالیات بسته شد بعضیهایش مستقیم بعضیهایش غیر مستقیم چرا اگر یک ملتی بودند چیزدار صاحب ثروت بودند صاحب مکننت بودند بنده عقیده ام این بود که هر چه ممکن است بدهند دولت هم بگیرد که بمصرف اصلاحات آنها برسد ولی متأسفانه همه بهتر از بنده میدانند که وضعیات ملت امروز بچه روز است در این صورت بنده موافق نیستم که این بلدییه قانونی بیاید یک مالیات جدیدی بر مردم تحمیل کند مثلاً یک میلیون یا یک کروری (نمیدانم چقدر بادم نیست) تخصیص به بلدییه میدهند از خرجی که سابق میدادند مابقی را میخواهند بر گردانند بمخارج راه سازی بنده عقیده ام این است که همان چیزی که میخواهند بر گردانند بمخارج راه سازی آنرا اگر بمصرف بلدییه برسانند اهم و بهتر و نافعتر است بحال ملت. ما نباید شب و روز تشویق کنیم اتومبیل آوردن و سوار شدن اتومبیل را باید یک قدری... هر چند بفرمایند که فلاکت مخالف اصلاحات است بنده مخالف اصلاحات نیستم اما هر اصلاحی که بضرر مملکت و مخالف صلاح ملت باشد با آن مخالفم. بنده عقیده ام این است که آوردن و زید تشویق کردن از آوردن اتومبیل و سوار شدن اتومبیل امروز بضرر این مملکت است آن چیزی که بخواهید بجهت تشویق اتومبیل سواری خرج کنید که خرج راه سازی خارج بکنید همانرا باید بمصرف بلدییه برسانید که تحمیل جدیدی بر مردم نشود این مردم دیگر طاقت زیاده بر این دادن را ندارند بنده باین ملاحظه در کلیاتش مخالفم و عرایضی هم دارم که در ماده

یک بیک بعرض آقایان میرسانم.

وزیر داخله - آقا از یک طرف اظهار موافقت نمودند و اظهار خوشوقتی فرمودند که بلدییه ها صورت قانونی پیدا میکند و از یک طرف در موقع عمل میفرمایند که این مسئله یک مالیات و عوائد جدیدی است و تحمیل بر مردم است. اگر واقعا معتقدید که باید بلدییه صحیح و قانونی داشته باشیم لازم است اینست که اهالی هر محل مکتب بکنند بین مؤسسه صحیح و بلدییه خودشن و تصور نمیکند این یک تحمیل فوق العاده باشد بر مردم و در باب اینکه فرمودید این مالیات راه را از اینجا گرفته اند و برای مصرف راه تخصیص بدهند این را هم تصور میکنم احتیاج بیک توضیحات زبانی نداشته باشد خود آقا باید تصدیق بفرمایند که امروز اهمیت راه در این مملکت خیلی زیاد است و خیلی محل توجه است و همه ما هم خیلی بید سعی و کوشش بکنیم که هر چه داریم صرف ساختن راه ها بکنیم و وسائل ارتباطیه خودمان را زیاد بکنیم که برای تجارتیمان برای اقتصادمان برای سیاستمان برای ترقی و تمدنمان برای همه چیزمان مفید است (کاررونی - اول اقدام اساسی راه است) و عقیده ام اینست که در مقابل این مبلغ هم بتوانیم از یک جهتی دیگری بزنیم و مصرف ساختن راه ها برسد هیچ قبل عرض نیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

برای مشروطیت داشتند يك قانونی نوشتند ما گفتیم این قانون را ما داریم دلیل بر اینکه با این قدرت کامله که پادشاه ما دارند و شما حکومت میتوانید در این قدرت کامله اجرای قوانین بکنید نمیکند چیست؟ این قانون را بردارید اجرا کنید فوراً این را برداشتمند گذاشتند کنار چهار ماده آوردند مخصوصاً در ماده آخرش قانون اساسی را هم گذاشتند کنار نوشته اند قوانینی که متعین با این قانون باشد مانعی است حالا بنده بعرض آقایان میرسانم که این قانونی که آوردند چطور قوانین را زیر پا گذاشته اند و نوشته اند هر قانونی که متعین با این قانون است مانعی است و قضوت هم با خود اکثریت است و خود وزیر محترم عدلیه و داخله که هستند ببینند چه ترقیبی واقع شده است یک کلمه ما گفتیم آقا بحمد الله شما قدرت کامله دارید حکومت ما قدرت دارد مجلس هم مسعادت هم بشما دارد مانعی هم درین ندارید سبق که وزیرای ما میتوانستند قانون را اجرا کنند بواسطه این بود که قوه نداشتند امروز ما میدانیم یکانه بجای ایران رس قوی نشسته است و اصلاحات میکنند شما هم قوانین را اجرا کنید این قانون بلدییه که در ۱۳۲۵ هجری قمری گذاشته بود چه مانع داشت موافق آن قانون را در اینجا ببردید بین گذاشتند میگویند ماده اولش را میخواندند مملکت اجرا کرد ماده دومش میخواند ماده سومش همیشه در مجلس حاضر بود برای اصلاحات... ما حاضر نبودیم برای کار ما چه کار داریم؟ آقایانی که شد رحل کرده اند و آمده اند باینجا برای کار آمده اند. قوانین قانون بسبب ما هر ماده از آن را که دیدند در این مملکت نمیشود اجرا کرد بردارید ببردید صلاح کنیم باندفعه شصت معتقد ماده قانونی که اینها زحمت کشیده شد برای آن گذاشتید کنار چهار ماده قانون این لازم نبود بلدییه نمیکند خواهید هر جا وزارت داخله مصلحت دانست هر جا مصلحت دانست هر کجا مصلحت دانست هر کجا اینها مصلحت دانست هر کجا ایل بیکی معین میکند هر کجا فراش بشی معین میکند

آنجا بلدیہ معین کنید. این دیگر دادو قال نمیخواهد يك كلمه آقا نمیخواهد نباید حق داشته باشند اهالی شهر در معیشت و زندگانی خودشان مداخله کنند هنوز موقع نرسیده است این را بیاورید در مجلس موافق دارید صحبت میکند مخالف دارید صحبت میکند اکثریت هم حکومت میکند هر چه واقع شد میشود این اساس مطلب است موضوع دیگر اینکه بنده همیشه بخودم امید واری میدادم و هنوز هم امید واری دارم و باز هم امیدوار هستم امید من ازین نرفته است که در تحت بیرق این پادشاه عادل که روز بروز در سعادت و ترقی ما میکوشد و روز بروز بر اصلاحات ما افزوده میشود همینطور بر آزادی ملت هم افزوده شود که ملت در تحت آزادی و معارف بمقامات عالیہ برسد نه اینکه در اینجا آنها را تضییق کنید بر حقوقشان (حقوقی که قانون اساسی به آنها نسبت بشهرها و آبادی شهرها داده است) اینهمه تضییق کردن بر آنها فایده ندارد هر چند اینم ملت بعد از آنکه یکدست توانائی میخواهد آنها را از گرداب بيك ساحل نجاتی برساند از شوق و شعف سعی و فداکاری میکنند تا خودشان را باین مقام برسانند ولی تضییق کردن بر آنها هم خوب نیست و فایده ندارد و بنده عقیده ام این بود که در تحت نظر حکومتی که این وزراء دارند روز بروز بر ترقی و آسودگی و آزادی ما افزوده میشود نه اینکه روز بروز يك چیز را قیچی بکنند شیر بی دست و سر و اشکم که دید؛ امروز بلدیہ نمیخواهیم فردا انجمن ایالتی و ولایتی میخواهیم هیچ چیز نمیخواهیم آخر این شیر بی دم و سر و اشکم شد این شیر دست نمیخواهد سر نمیخواهد شکم نمیخواهد خوب مشروطیت و قانون اساسی کدام است. همین چیزها است دیگر بلدیہ انجمن ایالتی ولایتی خوب با اینجور چه چیزش باقی میماند؟ قانون اساسی را بنده حالا بر میدارم ماده بماده میخوانم و تفسیر میکنم و میگویم مواردی را که این مواد مخالفت بقانون اساسی دارد در حقوق اختصاصی مجلس شورای ملی و حقوقی که در تمام دنیا (دنیای را بگردید ببینید بنده که ترقی بهینم ولی آنچه که بنده اطلاع

دارم و صحبت کردم با آنهائی که رفته اند در تمام دنیا این حقوق مال مجلس شورای ملی است) قوانین مالیاتی وضع و برقراریش با مجلس است از متبحرین در علم حقوق سؤال کردم میگویند در تمام دنیا وضع مالیات از خصائص نمایندگان ملت است فلسفه و برهان آنهاست که مردم با این دست که مالیات خودشان را میدهند میخواهند بتوسط نمایندگان خودشان به بینند آيا این مالیات در چه راه و چه قسم مصرف میشود بنده که جنم بيك پول بسته شده است

بعضی از نمایندگان - صحیح است

آقا سید یعقوب - بی خیلی صحیح است میفرمائید صحیح است بنده میدانم همدان ماشاء الله حاتم طائی هستید وقتیکه مأمور مالیه می آید این يك پول را از من بگیرد و من هم میدهم برای چه میدهم برای اینکه میدانم نایبند من رفته است در مجلس شورای ملی نشسته است من از این طرف پول میدهم از آن طرف باو حق داده ام که مطابق قانون اساسی به بیند این پول در کجا خرج میشود و چه جور خرج میشود پس از این فلسفه است که وضع مالیات و نظارت در خرج از خصائص نمایندگان ملت است و بس و این حق هم قابل انتقال نیست آقایان بعضی ها شان میفرمایند چطور مجلس شورای ملی بکمیسون قوانین عدلیه اجازه داده و او رأی میدهد آقایان بعد از آنکه مجلس تشکیل شد و کمیسون عدلیه را از بین خودش انتخاب کرد يك وزیر عدلیه می آید آن جا و قوانین را می آورد کمیسون میرسد و می بیند بعد رأی میدهد و میگوید بر این قوانین را موقتاً اجرا کن ند اینکه هنوز انجمن بلدی معین نشده نمایندہ بلدی معین نشده ما از برای بعد که میدانیم چه جور انتخاب خواهد شد بیائیم و اختیار بدهیم آنها اختیار وضع مالیات !! انجمنی که میدانم چه جور انتخاب خواهد شد و چه جور تشکیل خواهد شد بگوئیم آقا بروید شما هر چه میخواهید بکنید این نشد این اساس مشروطیت است؛ این اساس حکومت ملی است؛ این دو موضوع موضوع دیگر این است

که اگر مطالعه بفرمائید در این نه ماده یا ده ماده (بطور کلی عرض میکنم) که يك ماده دیگر هم بآن باید زیاد کرد که از نحوست خارج بشود در این ده ماده هر ماده اش يك حق اساسی بزرگی را از ما خواهد برد من برای خاطر اینکه حقوق مجلس از بین نرود عرض میکنم موافق هستم همانطور که یکی از نمایندگان گفت آن نظری که دارید و که میخواهید مالیات مستغلات وضع کنید برای بلدیها بیائید و وضع کنید مالیات و عوارض دیگری هم میخواهید وضع کنید بیائید ما حاضریم ولی نه اینجور اختیار دادن و این را بردارید بپرید این حقوقی که در تمام دنیا برای نمایندگان است باشد و این حق ملی را نگیرید و آن قدری که تصور میکنید بلاد ایران محتاج بمخارج است از طهران از آذربایجان (تبریز) که شهر دوم ایران است عراق اصفهان شیراز اینها را از راه دیگر از مستغلات و چیز های دیگر وضع مالیات بکنید ما هم رای میدهم ولی نه این ترتیب این ترتیب را حذف کنید و بپرید مالیات حاضریم برای مخارج آنها وضع کنیم مستغلات این قانون بلدیہ که در ۱۳۲۵ گذشته است می فرمائید قابل اجرا نیست دلیلش را هم ذکر کنید که چطور قابل اجرا نیست. شما که مالیات ایران را که از اول نه کرور بوده است الان ملاحظه بفرمائید چقدر شده است (سی کرور چهار کرور) اینها را همه را ملت ایران میدهد الان صد و بیست کرور مالیات میدهد به بینند این ملت مطیع بشما همه روزده مالیات می دهد البته برای آبادی و عمران مملکت خوب بچه دلیل يك کرور دو کرور برای اصلاحات بلدی شان میدهند؛ البته می دهند بطریق اولی خواهند داد از روی رضا و رغبت هم خواهند داد ولی بشرط اینکه يك حق اساسی داخلی از آنها گرفته نشود. این عرایض بنده است در کلیات که اساساً با این لایحه مخالفم بعد هم يك عرایضی دارم که ماده بماده عرض خواهم کرد قضاوت هم با

اکثریت مجلس است حالا که بیش از این حال ندارم بعد در مواد شاید حال پیدا کردم وزیر عدلیه - نمایندہ محترم در برداشت صحبتشان يك اشاره کردند که حقیقه با همه اطمینانی که بنده داشتم که قطعاً ما این کار را نکرده ایم بنده در جری خوده خوبی یگه خوردم و احتیاط کرده فرمودند این قانون در چند جای قانون اساسی را زیر پا گذاشته است گفتیم ای امان عجب کاری ما کردیم و غفتمی کردیم و در عین اینکه بنده یقین داشتم که ما نمیادیم و چنین کاری را نکردیم تصور کرده ایشان الان در پشت تریبون چند ماده از قانون اساسی را در می آورند و مثل دو دوت چهاره مدلل میکنند که این مواد مخالف اصول قانون اساسی است

آقا سید یعقوب - موجود است موجود است. رحم بهتان کرده (خنده نمایندگان)

وزیر عدلیه - این است دست بنده هر هست قانون اساسی (آقا سید یعقوب - بخدا رحم بهتان کرده) عرض کنیم که ما خیال کردیم که الان ایشان آن مواد را نشان ما خواهند داد و میگویند باین دلیل شما آمده اید و مخالف قانون اساسی رفتار کرده اید و با کمال نگرانی بنده دوره های قانون را خواستم و نگذاشته چینی ندیده و ت وقتی که ایشان خلافتش را ثبت نکنند بنده عرض میکنم که ایشان يك اشتباهی کرده اند و بنده اصلاً از معلومات قانونی ایشان این انتظار را نداشتم حالا هر چه بحث می کنیم چون مطلب مهم است و اگر معلوم شد يك قانونی و يك لایحه بر خلاف قانون اساسی ما آورده ایم که فوراً باید این قسمت را تغییر دهیم (صحیح است) عرض کنیم که خودشان نرفته اند چه موادی است (آقا سید یعقوب - خسته شده بعد می آیم میگویم) ولی بنده تصور می کنم آن موادی را که قانون اساسی در خصوص مالیه نوشته است از اصل ۹۴ است تا اصل ۹۹ این چند اصل را گمان می کنم آقا

در نظر داشتند (فیروز آبادی - و اصل هیجدهم) عرض کنم که این جا می نویسد: اصل ۹۴: هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون. اصل ۹۵: مواردی را که دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود اصل ۹۶ - میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی بکثرت تصویب و معین خواهد نمود این سه اصل. اصل ۹۷ - در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد. این چهار اصل. اصل ۹۹ - تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است. این پنج ماده اصل ۹۸ هم میگوید: غیر از مواقعی که قانون صراحة مستثنی میدارد هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیت مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی. عرض کنیم خدمت تن که (آقاسید یعقوب - اصل هیجدهم را هم بخوانید) حالا جواب این قسمت ها را عرض میکنم بعد بن اصل هم میرسیم. در اینجا... دستم به بنیم کدام یک از این مواد که تدوین شده مخالف بوده است با قانون اساسی. در همان قانون سابقی که بنده باز راجع بن قانون سابق هم صحبت خواهم کرد و آقا با یک لطف مخصوص که بعد علت آن لطف قرار هم نسبت بن قانون عرض خواهم کرد فرمودند چرا آن قانون سابق را کنار گذاشتند در همان قانون هم این حق بانجمن های بلدی داده شده است که عراض و اینها را معین کنند و اختصاص هم باین قانون ما ندارد در هر کجی دنیا که شما نگه کنید در این قبیل حقوق بانجمنهای بلدی میدهند (دستی - عوارض بلدی اصلاً مالیات نیست) که عوارض بلدی وضع کنند حالا بنده میخواهم برگردم بسر مطلب تمام اینها که این جا نوشته شده است: غیر از مواقعی که صراحة مستثنی میدارد هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیت مملکتی و ایالتی و بلدی و ولایتی. اساساً مالیات غیر از عوارض محلی است که از

شهرها گرفته میشود و اینها برای آن چیز کلی است و این اصل که میگوید غیر از مواردی که قانون صراحة معین می کند. حالا این جا یک قانون آمده است و صراحة حق میدهد که از برای رفع حوائج محلی یک اشخاصی تعیین عوارضی بکنند و یک مبلغی معین کنند پس این قسمت را بنده هیچ منافی نمی بینم و هیچ قسم عملی که مخالف بقانون اساسی باشد نمی بینم (صحیح است) حالا ممکن است که بعد هم سر این موضوع با نماینده محترم باز بحث بکنیم یعنی مباحثه کنیم نه بحث بمعنی زد و خورد که نه در طبیعت ایشان هست و نه در طبیعت بنده مخصوصاً پس از نقطه نظر اصل قضیه حالا بنده خیال می کنم بموجب این موادی که ایشان تصور کردند ما حق وضع همچو قانونی را نداریم حالا معلوم شد بموجب این مواد که اشکالی نیست و می توانیم همچو قانونی را بگذاریم و در قسمت قانون اساسی راحت شدیم حالا بیاییم سر قانون بلدی ۱۳۲۵ که در سابق (فیروز آبادی - اصل هیجدهم) وضع شده اما لطف آقایی آقاسید یعقوب نسبت بن قانون بواسطه این است که آن قانون از قوانین دوره اول است. نیستش آقا؟ خوب ایشان هم از آزادی خواهان و مشروطه طلب های جدی و از زحمت کش های مشروطیت بوده اند از اولت بحسب طبیعت آن دوره که دوره واقعا احساسات پاک بدرجه اعلی بوده است و دوره قوت گرفتن اساس و قوانین مشروطیت بوده است یک دوره ایست که پیش ایشان نسبتاً از همه ادرار عزیز تر و دل چسب تر است و هر کاری که آن دوره کرده است آن وقت از نظر احساسات ایشان دوست دارند وقتی که شما یک کسی را دوست دارید و علاقه باو دارید هر کاری که او میکند از نقطه نظر دوستی و محبت آن را دوست دارید حالا هم ایشان از نقطه نظر محبت و احساسات معتقدند که بن قانون نباید دست زد. مثلاً در آن دوره قانون برای وزارت داخله نوشتند که واقعا نزد هر آدم با انصافی بگذاریم تصدیق می کند که آن قانون تشکیل ایالات

و ولایات عملی نیست آمده اند و یک چیزی را ترجمه کرده اند و یک مواد مفصلی راجع کرده اند و اسمش را هم گذاشته اند قانون وزارت داخله عمل هم بهش نشد چرا؛ برای اینکه هیچ عملی نبود ولی چون آن دوره کرده است پیش ایشان مثل یک اولاد عزیز یا یک برادر عزیزی است که بن هیچ نباید نظر بشود. این قانون هم گمان میکنم از آن نقطه نظر عزیز است ولی این قانون هم غیر عملی است و بهمین دلیل هم غیر عملی است که تاکنون بان عمل نشده است و بعد هم مکرر در مکرر وزارت داخله یک لایحه تنظیم کرده است و حق چندین مرتبه هم آمده بمجلس شورای ملی این مرتبه اولش نیست مسئله بلدی ها چندین مرتبه آمده بمجلس شورای ملی و در نظر بود که آن قانون غیر عملی که روی کاغذ هست برود و بالاخره یک چیز عملی درست بشود که بدرد مملکت بخورد و بشود بان عمل کرد بنابر این ما این را آوردیم بمجلس شورای ملی و البته آقیدن هم باید در مواد آن وارد شوند بدون اینکه بگوئیم این آمد و یک لایحه بقانون اساسی زد و موادی از قانون اساسی را گرفت و قربانی خودش کرد. خبر و بدون اینکه بخوایم در اصل لزوم تغییر آن قانون سابق آوردن یک مواد عملی حرف بزنیم و صرف نظر از این کلیت بیاییم و در خود این مواد یک چیزهای منهد و عملی بکنیم نظر تن میرسد بفرمائید و پیشنهاد کنید تا بالاخره یک کاری کرده باشیم و یک قانون و عملی که بدرد بخورد از مجلس گذشته باشد (صحیح است) و چون یک قسمت از بیاناتشان در حاشیه قضیه بود و فرمایشاتی فرمودند بنده نمی خواهم جوابی عرض کنم و بدون اینکه بخوایم عرض کنم ارتباطی با مطلب داشته است یا نداشته است در آن قسمت نمی خواهم صحبت بکنم ولی از طرف دیگر چون یک اظهاری کردند بنده هم یک جوابی عرض میکنم. فرمودند که از حکومت ملی باید چیزهایی باقی بگذاریم. انجمن بلدی که نمی خواهم انجمن ایالتی که نمی خواهم پس چه باقی مانده؟ آقا مجلس شورای ملی

باقی مانده قوانین باقی مانده است که از این مجلس بگذرد دولتی مانده است که مطابق این قوانین عمل میکنند که می خواهد کاری بکنند و می بینند غیر از آن چاره ندارد و نمی تواند بقانون سابق عمل کند قانون جدیدی تقدیم می کند و بنای این را میگذارد که با شما بحث بکنند مذاکره بکنند و قانون بگذارند تا آنکه مطابق قانون انجمن بلدی تشکیل بدهد دیگر چرایی انصافی می فرمائید. پس آقا یک حرفهایی را نباید زد. من میدانم که شما این قصد را ندارید ولی دو نفر دیگری که گوش میکنند بگویند که جنبه پروپاگاندرا دارد (آقاسید یعقوب - فارسی بفرمائید چه فرمودید؟) تبلیغ شما هم خوب می دانید یعنی این کلمه را خوب میدانید بنده یک آدوی نیستم که الفاظ خرجی خیلی استعمال بکنم ولی شما که بحمدالله این قسمت ها را خوب اطلاع دارید مخصوصاً که فرمودید با حقوقیون صحبت کرده ام بنده خیلی دلم می خواهد این را مرحمت بفرمایند و آن حقوقیون را بد بنده هم معرفی کنند که بنده هم بروم پیش آن حقوقیون درس بخوانم عرض کنم که فرمودید با حقوقیون صحبت کرده ام و می گویند در هیچ جا بانجمن بلدی این حق را نمیدهند نه آقا جان در همه جا این حق را بانجمن بلدی میدهند و حق هم این است که این حق بماند داده شود چرا؟ برای اینکه مالیت یک چیزی است که از تصرف فرد نسبت گرفته میشود بد تناسب استعدادشان و باید تصرف یک چیزی برسد که بفتح عمومی مملکت باشد ولی عوارض بلدی یک عوارضی است که اهالی هر شهری بد تناسب متقاضیشان گرفته میشود برای اینکه این شهر و آن خاند خودشان را تمیز کنند روشن بکنند یا بکنند هیچ دلیل ندارد که از یک فردی که در نقاط مختلفه مسکن در خارج از شهرها زندگانی می کنند بعبارت آخری از اثرات مملکت یک مالیاتهایی گرفته شود و آن مالیاتها خرج بنده و آقایی خوش نشین در شهرها باشد که دلمان می خواهد تا یک ساعت بعد از نصف شب هم اگر در توی خیابانها حرکت و گردش می کنیم خیابان

روشن باشد نه هیچ دلیل ندارد که آن دهاتی که باید برود و زحمت بکشد و با قوه بازوی خودش از زیر زمین نان خودش را در بیاورد آن خرج این بشود که بنده و آقا بتوانیم در شهر در خیابانهای وسیع و تمیز و روشن حرکت کنیم. خیر آقا روی همین فلسفه و روی این منطق آمده اند و در هر جا يك تفاوتی گذاشته اند بین آن چیزی که مالیات است یعنی باید افراد مملکت هر کس با اندازه استطاعت خودش بدهد برای تأسیساتی که برای مملکت مفید است ضروری است مثل حفظ انتظامات و قشون و تشکیلات قضائی و پست و تلگراف و آن چیزهایی که بدردم همه مردم می خورد و هر کس بنوبه خودش میتواند استفاده کند و بعد هم يك چیزهایی است که اهل هر شهری باید مخصوصاً بدهند که می خواهند شهرشان تمیز و روشن باشد و سائط نقلیه خوب عبور و مرور بکند آب تمیز بخورند باید خرج خانه خودتان را خودتان بدهید خیابانهای خودتان را هم خودتان بک کنید شاید يك عده از افراد این مملکت پای شان را توی این شهر نمی گذارند و اگر هم می گذارند شاید هم اهمیت نمیدهند که کوچه و خیابان بچه شکل باشد اما شما که يك مردمی هستید با دل زیبا و دلتان می خواهد که به نشینید و تماشا کنید و گرد و خاک نباشد و آب خوب بخورید و بالاخره همه وسائل زندگی خوب برای تن فراهم شود و هر چه هم برای تن بکنند باز که تن است و باز بیشتر می خواهید و هر چه می کنند باز میگوئید چرا آن طرف را هم گلستان نمی کنید چرا يك پارک هم در آن طرف شهر درست نمیکنید شما هم خوبست يك قدری دست در جیب خودتان بکنید و از پول خودتان خرج بکنید آنوقت به نشینید و تماشا کنید دهاتی نباید بدهد بنا بر این بهترین ترتیب همین است و این فلسفه تفکیک این دو نوع پولی است که از اهالی مملکت گرفته میشود و آن وقت بهترین ترتیب این است. و خوب حالا از برای

تشخیص اینکه چقدر اصلاً این مردم پول بدهند و چقدر احتیاج دارند و چطور باید مصرف شود يك عده از بین اهالی خود آن محل معین میکنند و آنها بادر نظر گرفتن استطاعت و حوائج مردم يك ترتیبی قرار میدهند آنوقت این را نباید آمد و گفت روی این اصل کلی مالیات مجلس شورای ملی اینکار را بکند. مجلس شورای ملی با مقام عالی و ارجمندی که دارد و بجای خودش هم صحیح است ولی يك قضائاتی است که بهش هم نباید برخورد ولی باندازه که چند نفر اهل محل در يك جا بنشینند و اظهار نظر بکنند نمی تواند باندازه او اظهار اطلاع بکند گناهی هم نیست. اهل محل بهتر میتوانند در آنجا جمع شوند و رسیدگی کنند. بالاخره بنده تصور میکنم که این مذاکراتی که بطور کلی شد يك قدری در قسمت عمای قضیه داخل شویم و اکتفا کنیم در قسمت کلیات بهمین اندازه چون مسئله کلیات را ما نباید فراموش کنیم که در مذاکراتی که در کلیات میشود و در موافقت و مخالفت هائیکه میشود بوقت است میگویم من اصلاً با تمام این قانون از اول تا آخرش مخالفم و نیاستی باشد انجمن بلدی هم نمیخواهیم آن قانون پیش هم عملی نیست باز میفرمایند عملی بکنند بنده میدانم چه جور پیشنهاد میکنند برای اینکه قانون پیش که عملی نیست نمیشود هم عمل بهش کرد آقا بشهادت خودتان مکرر در اینجا فرمودید قانون جدید بیاورید این قانون جدید است.

آقا سید یعقوب - قانون جدید عرض کردم.

وزیر عدلیه - فرمودید يك قانون... ها ببله بله مال دوره اول بود ببخشید عرض کنیم پس اگر ما يك قانون بلدی جدیدی اینجا آوردیم بهتر این است که بیشتر از اینها در این قسمتها صحبت نکنیم و وارد شویم در مواد و در آن قسمت حرف بزنیم در آن موادی که راجع به عوارض است آقا بحث بکنند البته مجلس شورای ملی است برای مذاکره کردن است برای مشورت کردن است دولت هم هیچوقت این نظر را ندارد که وقتی يك چیزی

را آورد حتماً همانطور بگذرد این يك پیشنهادی است این پیشنهاد را بایستی با توافق نظر آقایان يك صورت قانونی بهش بدهیم بنابر این در جزئیات صحبت کردن بهتر از این است که يك مقدار صحبت خودتان را در کلیات صرف کنید آقا يك فرمایشی بکنند بنده يك عرایضی بکنم آنوقت خدای نخواستہ باعث این بشود که آقا بکمرتبه تشریف بیاورند و بخواهند به بنده ضعیف يك حملاتی بکنند خوب برای چه؟

دکتر عظیمیا - خیلی ضعیف

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایانیکه موافقت با ورود در شور مواد

قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - از اول مرداد ماه سهم بلدیها که از

محل مالیات راه تأدیه میشود بستنمای مبنی که در ماده

۲ مذکور است بر اعتبار راه سازی اضافه می شود

تبصره (۱) - صرفه جوئیهای سابق بلدیها هر محلی

تا تاریخ اول مرداد ۱۳۰۹ اختصاص بلدیها همان

محل خواهد داشت

تبصره (۲) - صدی دو بودجه ۱۳۰۸ بلدیهای

ولایات که برای اجرت مهندس بلدی تخصیص داده شده

است نیز تا اول مرداد ۱۳۰۹ آنچه صرفه جوئی میشود

باختیار وزارت داخله گذاشته خواهد شد که کماکان

اجرت مهندسين را از این محل پرداخت نمایند

آقا سید مرتضی وثوق (مخبر کمیسیون داخله) - اجازه

میفرمائید مهندسی نیست مهندس است. اصلاح بفرمائید

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده ام اینست که انسان چه با

دولت یعنی هر مجلسی عقیده ام اینست که چه با دولت

موافق باشد و چه مخالف هر چیزی را که دولت بیاورد اگر خوبست بدون هیچ نظری یعنی نظر مخالفت و موافقی قبول کند و اگر بد است رد کند و بیشتر خرابی دنیا را بواسطه این می بینم که این نظر در تمام دنیا مراعات نمیشود بوقت عداوت شخصی مانع يك امر کلی صحیحی میشود یا محبت شخصی باعث يك ضرر کلی میشود و بنده این نظر را ندارم و نداشتم و با هر کسی هم داشته باشد مخالفم در اینجا آمده است در این ماده اول يك حقوقی که سابق بلدیها داده میشد این را تخصیص داده است براهها و بعد باید يك قانون جدیدی يك مالیات جدید مجلس وضع بکند و بلدیها خرج بکند از آن قانون گرفته شود و بلدیها اداره شود اولاً بنده مخالف با این هستم که هر انجمنی خودش بتواند مالیات وضع کند چیزیکه بقانون مشروطیت هم میتواند اینست که انجمن میتواند يك مالیاتی پیشنهاد بکند بدولت دولت هم پیشنهاد بکند بمجلس و مجلس رأی بدهد و الا خود سرانند اگر بفت بشود هر شهری هر بلدی هر قصبه بنشینند و يك مالیات تازه وضع کنند و روی يك پیرگراه و اراده و خصوصیات و عداوت شخصی و محبت شخصی بین يك هرج و مرجی میشود و این قانون خوبی نیست باید مالیات کلیه اگر خدای نخواستہ بخواهند مالیات جدیدی وضع شود باید بلدیها پیشنهادش را بدهد به دولت و دولت هم بمجلس اگر از مجلس گذشت آنوقت بلدیها بگیرد و عمل کند و الا خود بلدیها حق ندارد ابتدا در اصل هیچکدام قانون اساسی هم ملاحظه بفرمائید که در اینجا بکسی سلب کرده است مالیات گذاری را بجز مجلس شورای ملی و عوارض بلدیها هم همین مالیات است در مواد دیگر تصریح میکند که مالیات و عوارض یکی است دو چیز نیست آری لفظ عوارض هم باشد همان مالیات است پس غیر از مجلس کسی حق ندارد باینملاحظه بنده در این ماده عقیده ندارم که بیایند حقوقی که سابق به بلدیها داده میشد حالا بدهند براه سازی و دو مرتبه تجدید مالیات بنمایند

و تحمیل مالیات بر مردم بکنند بنده مخالفم و اینکه آقای وزیر عدلیه فرمودند که بر دهاتی ها نباید شهرها تحمیل بکنند یعنی آنها مخارج را بدهند و شهرها راحت بکنند این درست است بنده هم موافقم حق هر کسی باید محفوظ باشد این را بنده تصدیق میکنم ولی چیزی حالا بدهتیا نمیخواهند پس بدهند همان چیزیکه میگیرند میگیرند یک چیزی هم اضافه میخواهند از شهرها بگیرند حالا خواهند فرمود که آن چیزی که از دهاتیا میگیرند تصرف چیزهای دیگر میسازند و باید از شهری بگیریم و بلدییه برسایم بنده عرض میکنم بسیاری از چیزها هست که در بودجه ها هست ولی چندان اهمیت ندارد ممکن است از آنها زده شود و به بلدییه برسایم که یک مالیات جدیدی دیگر امروز گرفته نشود بنده باین نظریات که عرض کرده مخالف با این قانون هستم

وزیر عدلیه - بنده کاملاً طرز فکر و احساسات آقای نماینده محترم را میدانم و میدانم که واقعاً ایشان (حالا میخواهم فرمایشات آقایین دیگر را در ضمن این تالذیب کرده باشم) در مورد ایشان همینطور است نه فرمودند از نقطه نظر عواقبت و مخالفت اظهاری را میکنند مگر از نقطه نظر مخالفت یا موافقت با آن موضوعی که مطرح است متشبهی چیزیکه هست اینجا تفاوت سلیقه است تفاوت تشخیص است شما از نقطه نظر مخالفی صحبت نمیکنید و بنده هم چیزیکه اینجا عرض میکنم از نقطه نظر این نیست که بخوایم بی ارادتی بکنیم اصل هیچجدم که بنده قبلاً از برائتشان خواندم و بعد هم آمده است تفسیر کرده است روشن کرده است میدانید این قسمت اصل هیچجدم که در قانون اساسی است بعد آمده راجع به همان ترتیبات یک مواد مفسری گذاشته است اولاً با هم شباهتی ندارد ثانیاً آن آمده است اینمده را روشن تر کرده است اینجا بطور کلی مینویسد تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنین میزهای

جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود . بنده کاملاً قبول دارم عوارض سرحدی هم جزو عوارض است مقصود این نیست اینجا که نوشته است عوارض محلی عوارض عوارض سرحدی هم میشود پس نباید اینجا ما این اشکال را بکنیم یک چیزی انصافاً شما بخواهید در قانون اساسی پیدا کنید که صراحة مخالف با این قانون باشد نیست مگر اینکه خیر بخواهید بنشینید تعبیر و تفسیر کنید البته مجلس شورای ملی حق تعبیر و تفسیر قانون اساسی را هم دارد و الا در این مواد شما بخواهید یک چیزی بر خلاف صریح قانون اساسی بیابید نیست این را بنده یقین دارم که نیست و باز عرض میکنم همان دوره اول هم که آن قانون اساسی را نوشته است حق وضع همین عوارض بلدی را هم داده است عرض کنم حالا میسریم در قسمتی که راجع باینجا فرمودند که خوب است شما بیابید اینها را که میگیرید دهاتی ها را که را میگیرید میخواهیم بگیریم و حالا از شهری ها میخواهید بگیرید بنده عرض میکنم که اگر ما این پول را از شهرها بگیریم و از برای خودین فکری نکنید بیستی از دهاتیا گرفت (فیروز آبادی - گرفته شده) آنوقت شما میفرمائید که بیابید یک چیزهایی را که در بودجه هست آنها را کم کنید آقا چند روز پیش از این بود که بنده میدانم بکدام یک از دستورهای آنوقت عمل کنید شما چند روز پیش اینجا فرمودید در همین جا وقتی که یک وزارتخانه بواسطه اینکه مقداری از بودجه خودش زده بود بگدده را بیرون کرده بود آقا آمدند و فرمودند که چرا اینها را بیرون کردید آقا اینکه نمیشود شما هر کاری را میکنند در آن قسمت مخالفت می کنید و حواله می دهید بیک طریق دیگری وقتی که از آن راه خواستیم وارد بشویم می بینیم دست مبارک آقا بیرون آمد و فرمودند کسانی که حقوق زیاد می گیرند اینها را بیرون کنید و ماهی بازده تومانها بمانند

فیروز آبادی - خوب متشکرم که متمش را هم فرمودید
وزیر عدلیه - این بود فلسفه آقا يك مثال میزنم فرضاً بروند يك مهندس بیاورند پنجاه شصت تا عمله بیاورند خوب به مهندس چقدر می دهید هزار تومان به عمله چقدر می دهید روزی چهار قران آقا میفرمایند اینکه خرجش خیلی دارد زیاد میشود آنوقت می گویند باید مخارج را کم کنید اگر بنا باشد از عملجات کم شود آقا می آیند میگویند چرا این ده تا عمله را بیرون کردید آن مهندس را بردارید آن مهندس را هم نمیشود برداشت آن مهندس را بردارند کار نمیشود کرد بنده مدعی هستم که اشتباه میفرمائید اگر هستند کسانی چهار صد تومان حقوق میگیرند و گاهی هم لیاقت آن آدم بیست تومانی وسی تومانی را ندارند ولی آن کسیکه چهار صد تومان میگیرد لیاقت چهار صد تومان را هم دارد آقا وارد ادارات بشوید به بینید همین اشخاصیکه دارای يك حقوق زیادی هستند کسانی هستند که کار هم میتوانند بکنند شما کاراداری نکردید و تشخیص این قضیه را بگذارید برای آن کسانی که کار اداری کرده اند همچو نیست که واقعا هر کسی یکقدری زیاد گرفت کاری از او ساخته نیست و آن کسی که کمتر میگیرد يك آدمی است که واقعا باید نگاهش داشت خیر همانطور که عرض کرده میشود مهندس و معمار را بر داشت و شاگرد بنا و اینها را آورد بالا زیرا آنوقت نمیتواند کار کنند باید اینها را حقوق داد تا کار بکنند و شما بدانید و این را بطور اطمینان میگویم آثار و علائمش را هم از خارج می بینید هر قدر که يك مؤسسانی در خارج پیدا شده است کسانی که دارای لیاقتند یواش یواش سعی میکنند که از مؤسسات دولت بیرون بروند و بیرونند در آن مؤسسات کارکنند بنده شما قول میدهم حالا میخواهم عرض کنم ولی چندین نفر از اعضاء اداره ما با اینکه میدانید ما نسبتاً حقوق خوب میدهم با وجود این

در این مدت باصرار و التماس آمدند استعفاي خودشان را بقبولانند برای اینکه بروند در يك مؤسسات دیگر و حقوق بیشتر بگیرند برای چه؟ برای اینکه کار ازشان ساخته است و چرا آن بیست تومانی که میگویند برو و میخواهند خارج کنند آن بد بخت است برای اینکه او اغلب اوقات نمیتواند کار آن آدم را بکند . آخر بنده يك عمر زحمت کشیده ام و يك معلوماتی را پیدا کردم که امروز میتوانم بیایم این جا خدمت آقا با شما صحبت کنم مذاکره کنم با چهار تا کاه خوب و بد کاری را انجام بدهم آقا تصور نفرمائید که به بنده هفتصد و پنجاه تومان میدهید يك آدمی هستم که در هر دقیقه شما میتوانید بگوئید خوب اینکه هفتصد و پنجاه تومان میگیرد سی تا بیست تومانی بیاورید جایش بگذارید کار من را نمیتواند بکند خیر حالا اینجا بنده بشخص خودم مثال زدم و البته خوب نبود ولی بطور مثال است عرض می کنم وقتی که بخواهیم صرفه جوئی بکنیم بگوئیم آن چهار صد تومانی را باید برداشت نه راه این نیست پس بنا بر این چون این راه عملی نیست این بود که آمدیم يك عده بد بخت را از برای صرفه جوئی خارج کردیم شما میگوئید بیابند از کجا بزنند آقا مثلاً میفرمائید وزارتخانهها در خرج سوختشان صرفه جوئی بکنند خوب اگر با بخاری باشد خرجش زیاد تر است ذغال سنگ و اینها لازم دارد پس کرسی بگذاریم بهتر است با صرفه تر است و این درست میشود و الا از حقوق که بخواهند بزنند که نمیشود و شما میگذارید اگر کسی را هم بخواهند بیرون کنند که نمیگذارید پس باید چه بکنیم باید از بودجه من بزنیم از بودجه هم که نمیتوانیم بزنیم از بودجه که نتوانستیم بزنیم بالاخره نخواستیم بعموم مملکت برای مخارج شهرها تحمیل کنیم ناگزیریم که همین رویه را پیش بگیریم و این پول را هم عرض کردم که ما این را خرج يك کاری میکنیم که خیلی لازم است و آن خرج طرق و شوارع است و

از برای این مملکت يك قضیه خیلی مهمی است و این را گمان میکنم خود آقا هم تصدیق میکنید و کاملاً میدانید رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه يك فضیلتی برای برای بنده معین کردند که در دوره اول مشروطیت بنده نماینده بودم خوشبختانه این فضیلت برای خودتان هم بود برای اینکه از دوره اول در يك انجمنی بودم که در خدمت آقای وزیر عدلیه بودیم تا اینکه دوره اول تمام شد در دوره دوم هم در خدمتشان بودم در يك قسمت و انجمن دیگری تا اینکه ایشان تشریف بردند برای تحصیلات اروپا و ما این جا بودیم داخل در همان کارهایشان الحمد لله برگشتند اعلم العلماء و دارای دیپلم حقوق شدند و بنده با اینکه در مسئله حقوق هم که عرض کرده خدمتشان و مدلل کردم فرمودید آن حقوقی کیست که بنده بروم پیش او تحصیل کنم بنده حالا عرض میکنم و بعد تصدیق خواهید فرمود کم کم مطلب را بشما حائلی میکنم عرض کنم که قانون سابق و قانون اساسی را شما کاملاً میدانید که بچه خون دلی گرفته شده است و امروز که افتاب تابان است نمیتوان دست از آن برداشت باین سهل و آسانی این یکموضوع موضوع دوم عرض بنده این است که بنده کاملاً در در خدمت آقای وزیر عدلیه در دوره چهارم و پنجم و ششم و هفتم غالباً در کمیسیون بودجه و کمیسیون عدلیه خدمتشان بوده ام نمیدخواهم از روی مجاز گوئی عرض بکنم حقیقت و واقع است که وقتی يك مسأله گفته میشود وقتی دقت میکنند و می بینند که طرف واقع را دارد میگوید قدری از آن حرارتشان کاسته میشود و آن تندی که اول داشتند یکدفعه کم میشود مثلاً وقتی که بهشان يك مطلبی توجه داده شود میگویند مقدمات این امر مرا قدری متوجه ساخت خلاصه ایشان شخص منصفی هستند و مصر نیستند در يك مسأله که در کمیسیون یا در مجلس اظهار میکنند که حتماً این خیال من باید پیش برود خیر

برقفا میگویند این است نظر من و میخواهند کار با مشورت بگذرد چون بنده کاملاً بایشان عقیده دارم ادراک و دانائی خودشان را بشهادت مبطللم الان مواد قانون را بعرضشان میرسانم این دو موضوع موضوع سوم اینکه بنده مکرر خدمت شما عرض کرده ام آقا شما آقای وزیر عدلیه هستید شما آقا وزیر داخله هستید اکثریت هم دارید دیگر لازم نیست بنده و آقای فیروز آبادی را هو کنید ما دو نفر بیچاره را لازم نیست هو کنید اولاً کاملاً میدانید که ما آدم مغرض نبودیم (وزیر عدلیه - البته صحیح است) و امیدوارم که هیچوقت هم غرض نداشته باشیم و در کارهای دولت هم بآن اندازه که ادراک میکنم که بفتح مملکت و متضمن منافع است کاملاً ساعی هستیم و غرضی نداریم و نباید کلمات و عبارات ما حمل بر غرض بشود که بنده را میخواهید مثلاً هو کنید این اول گفت قانون اساسی یا فلان قانون را دوست میدارد اما آمدیم سر این موضوع عرض کنم که حکومت با اکثریت است این ماده مهم که آقایان نوشته اند که پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود در آنجا مینویسید قوانین دیگری که منافات با این قانون دارد ملغی است ملاحظه بفرمائید یکموضوعی را عرض کنم آقای دشتی کجا تشریف بردند اینجا یکقسمت فرمودند راجع بعوارض چون آقای دشتی خیلی جنتامن هستند (خنده نمایندگان) يك عریضی عرض میکنم در اصل هیچدم توجه بفرمائید مطلب فارسی است اگر هم بنده نمی فهمم بنده حاضرم هیچ چیز ندارم بنده خیلی اقتضای دارم در کمیسیون عدلیه هم در این خدمت هم در خدمت آقای وزیر عدلیه بوده ام همینطور خدمت سایر آقایان اگر جهلی دارم و نمی فهمم عیب نیست جاهل اگر تحصیل بکنند کمالش است اما اگر در جهل مرکب بقی بماند او بد است آن بدبختی است اصل هیچدم میگوید: تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول عوارض (دیگر مالیات نمیگوید برای خاطر همان قسمت) و فروعات هم چنان میزبانی های جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب

مجلس خواهند بود اما اصولی که در متمم قانون اساسی هست میگوید: میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی به اکثریت تصویب و تعیین خواهد نمود یعنی کلیه آن چیزهایی که بدلیل ماده بعد که تفسیر این عوارض را میدهند باید میزان مالیاتی را که افراد مملکت باید بدهند اعم از اینکه بسم مالیات باشد یا بسم عوارض هر چه که باشد مجلس شورای ملی همه ساله باید معین کند نه اینکه انجمن انتخابی که آقای وزیر داخله چیز کردند این انجمن نیست این انجمن شش نفری که نمیدانیم از چه اشخاصی خواهند بود از ملائکه ها بعد انتخاب خواهند شد من که نمیدانم قانون اساسی میگوید با اکثریت تصویب و معین خواهد کرد یعنی که این از خصایص مجلس شورای ملی است بنده که الان در خدمت شما هستم و شما هم که تشریف دارید و شاید در دوره دیگر هم که ما با اخلاف ما بشند اینکه شما می آید و حق تعیین این عوارض را بآنها میدهد دیگر چیزی برای این اصل بقی نمیمانند این ماده که اصل قانون اساسی است حقوق ما را معین میکند ناظر بودن در جمع و خرج را که بگانه حقوق ما هست از بین میبرد پس چه چیزی برای ما بقی ماند؟ این شش نفری که نمیدانم نظامنامه اش را وزارت داخله خواهد نوشت و بکمیسیون داخله خواهد آورد چه ترتیب خواهد بود شرایط منتخب و منتخب چه خواهد بود اینها معین بکنند با اینکه اصل قانون اساسی میگوید مجلس شورای ملی و اکثریت معین بکند آقای وزیر عدلیه انشاء الله عفو خواهند فرمود میفرمایند که بنده خوب می فهمم بلد خوب میفهمم ولی از پس شما علاقه مند هستم نمیدخواهم بشما تن جواب عرض کنم ولی خیلی خوب میفهمم خوب همین ماده این شش نفری هستند چه هستند چه اندازه بحث میکنند؟ ما که نماینده ملت هستیم و قسم خورده ایم و قانون اساسی را بین خودمان حکم قرار داده ایم ما باید وضع بکنیم این حق ما است نه آن شش

نفری که معلوم نیست خوب آن شش نفر تا چه اندازه وضع میکنند؟ این دو تا مسئله دیگر این است که میگویند عوارضی را که انجمن تعیین میکند یا دولت تصویب میکند دولت تصویب میکند بحمدالله آقای وزیر عدلیه الان حال آمده تمام قوانین را میخواهیم (خنده نمایندگان) تازه اینجا آمده است و بدولت حق تصویب میدهد آقا شما خودتان از حقوق دانهای مملکت ما هستید و واقعاً من و اهالی مملکت بحقوق دانی شما اقتضای میکنیم چرا يك حق مسلمی را از يك قوه بیگیرید و بقوه دیگری میدهد چرا این حقی که مال يك قوه است از این قوه در تحت این همه نطق و بیان این حقوق از ما گرفته شود خوب میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت معین خواهد نمود درست توجه بفرمائید آقای دشتی تشریف نداشتید (یکی از نمایندگان - جایتان خالی بود) در تشریف نداشتن عوارض داخل شد این هم ماده ۹۶ آمدیم سر آن ماده ۹۹ که شاید مثلاً يك ابهامی داشته باشد در میدانم که کاملاً آقای وزیر عدلیه تصدیق میفرمایند که هیچ ابهامی هم ندارد میگوید: غیر از مواقعی که قانون صراحة مستثنی میدارد (مثلاً بعضی مواردی که مداریم و بعضی معافیت ها را قائل شده ایم مثل معافیت گمرکی ما بعضی چیزها را استثنا کردیم لیکن دیده اید که بعضی جاها بعضی چیزها را ما از قانون احتراماً با آن جهت نقصه سیاسی مثلاً اموات نماینده های سیاسی که در گمرک وارد میشود اینها بعضی چیزهایی است که استثنا میشود غیر از اینها) بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باین اسم ما و این اسم ما هم مختص مجلس شورای ملی است وضع قانون وضع مالیات مخصوص مجلس شورای ملی است این موضوع درست شد آمدیم این قانونی که در دوره پنجم گذشت که ما آمدیم در اینجا مردم را دعوت کردیم بيك صلاهی عامی که همه راهبانان را شوسه کردیم همه شهرها تن را تمامه خوبان

شانزلیزه کردیم ای داد و بیداد بیائید مالیات بدهید مالیات باج راه وضع کردیم و يك انبساطی در ملت ایجاد کردیم که الان دیگر تمام کارهای ما درست شد آمدیم مالیات باج راه را این را هم برایتان میخوانم: «عایدات حاصله از مالیاتهای مقرر» باز بین الهالین نوشته شود آقایان رجوع کنند بصورت مجلس های دوره پنجم وقتی که اعلیحضرت افتخار داشت کابینه بوجود ایشان این لایحه آمد بمجلس آن مذاکراتی که خود آقای وزیر عدلیه آنوقت در مجلس بودند و وکیل بودند آن نطقهایی که در اینجا شد برای گذشتن این قانون و آن قولها و وعده ها که بملت دادیم و آن روزنامه هائی که منتشر کردیم حالا بد بختانه دیگر شهری شدیم و غلط کردیم که میخواهیم يك آب یاکی بخوریم. این مالیات راه عایدات حاصله از مالیاتهای مقرر فوق که از طرف وزارت مالیه وصول میشود بطریق ذیل تقسیم و بمصرف خواهد رسید

الف - وزارت مالیه اجازه دارد برای وصول و اداره کردن این مالیات صدی پنج از کل عایدات خرج نماید و هر مبلغ که در بودجه سنه ۱۳۰۴ وزارت مالیه بابت مخارج وصول مالیاتهای ملغی شده در این قانون منظور شده است از اول فروردین ۱۳۰۵ حذف خواهد شد

ب - وزارت مالیه معادل مبلغ خالص عایدات سنه ۱۳۰۴ بلدی و معارفی و صحیه و خیریه را که بموجب این قانون ملغی میشود (که چکارش کردیم ملغی اش کردیم و روی تمام مایحتاج مردم آن چیزی که طرف احتیاج مردم است کشیدیم ملغی نشد خیر بلکه علاوه و سه برابر کردیم روی همه چیزمان قرار دادیم برای خاطر اصلاح چون اصلاح راهمه موافقم) این قانون ملغی میشود بمؤسسات بلدی و صحیه و معارفی و خیریه خواهد پرداخت و نیز معادل صدی پنجاه مخارج کنونی وصول عایدات نواقل بمؤسسات بلدی تأدیبه خواهد شد و همچنین اضافه بر این از سال ۱۳۰۶ مبلغ هفتاد و پنجهزار تومان برای ساختمان خیابانهای مهم شهرها بمؤسسات بلدی میدهند و بقیه عایدات عموماً اختصاص بتعمیر راههای فعلی و

تأسیس راههای جدید خواهد داشت. «حالا باز هم بین الهالین عرض میکنم که از آنوقت تا بحال این عقیده در دل بنده باقیمانده است که يك وزیر فوائد عامه آنوقت با يك وزیر و طرق شوارع و اقتصادی حالا بیاید و بگوید چند کیلومتر باصطلاح آقای دشتی یا چند فرسخ ماراه درست کردیم و راههای کجا مثل راههای تمام دنیاست و چه احتیاجی ما داریم و يك صورتی از این راهها بما که نماینده های ملت هستیم و ملت ناظر ماست بیایند بگویند آقا این مالیات راه این بوده و امسال در عنوان مالیات راه چند فرسخ راه در آذربایجان احداث شده چند فرسخ در جنوب احداث شده است چند فرسخ در غرب. این را که مانند دیدیم اگر شما دیدید بنده که ندیدم در روزنامه هم ندیدم پس در اینجا این قانون بزرنگی لایحه نویسنده نمیآید از اول بگوید مطابق این ترتیبات قانون بلدی و ترتیب قانون منسوخ است و بعد ایجاد میشود بلدیه باین ترتیب. ترتیب قانون این است که بگوید ماده اول بلدیة تشکیل میشود باین ترتیب اینجا وارد میشود يك دفعه در ماده اول مالیات را نسخ میکند آنوقت ما نکردیم راپرت را باین ترتیب مینویسد این حقوقی بود که بر حسب این قانون ما آمدیم و بر امتعه خودمان بر اجناس خودمان وضع کردیم برای راهسازی بنده هم يك صورتی وزیر طرق و شوارع نوشته بود که سه کرور امسال پنج کرور سال گذشته اینها را دیدیم صورتش را ولیکن عرض کردم هنوز يك وزیر نیامده است در مجلس و به پیشگاه ملت بگوید که ما امسال اینقدر موفق شدیم راه را در ایران ایجاد کردیم که بنده باین چیزها که افتخار دارم باین هم افتخار داشته باشم تا حالا ما ندیده ایم راههایی که خود آقای وزیر عدلیه تصدیق کردند که بهترین وسیله ترقی از برای مملکت احداث راهها و شوسه کردن راههاست این را هم ندیدیم میگویند راه آهن در خور موسی خراب شده است و از کجا

هی بی در پی اتومبیل افتاد و برت شد و کی مرد و چه شد و چیزی که می بینم همین وقایع جان خراش است که در روزنامه ها می بینم و گمان نمیکنم روزنامه ها هم غیر واقع بنویسند این هم این قسمت حالا این قانون میآید و این ماده ۳ حقوقی را که بموجب قانون ۱۳۰۴ برای بلدیة های ولایات اختصاص داده شده بود این قانون میآید این حقوق را از بین میبرد بعد از آن از اینها استثناء میکند هشتصد هزار تومان که پانصد هزار تومان برای طهران بنده موافق هستم چون پایتخت است و مرکز سلطنت است مرکز افتخار است باعث افتخار است کاملاً موافقم هر چه خرج کنیم بجهت مرکز همیشه در نظر بنده بوده است و بنده کاملاً موافق با مرکزیتیم و عقیده ام از اول این بوده است و همیشه قائل بمرکزیت بوده ام و هیچوقت بلا مرکزیت قائل نبوده ام عقیده بنده مسلم است و خیلی هم اهمیت باین عقیده میدهم تا حالا که ما بخمدالله موفق شده ایم و این مقصود اساسی حاصل شده است و سیصد هزار تومان برای کلیه شهرهای دیگر ما اگر آقایان اعضاء محترم کمیسیون بودجه در نظر داشته باشند سال گذشته بودجه بلدیة های ولایات در نظر میآید که نهصد و پنجاه هزار تومان ما بودجه بلدیة ولایات را قرار دادیم غیر از بلدیة طهران برای اینکه بودجه بلدیة طهران ششصد هزار تومان است در سال ما آنرا نهصد هزار تومان قرار دادیم حالا اینجا بنده میخواهم به آقای وزیر عدلیه عرض کنم بنده دعای گوی صمیمی شما هستم و باریش سفید بنده اینقدر بمن حمله نکنید بیایید اینجا ششصد هزار تومان سیصد هزار تومانش را قبول کردید ششصد هزار تومان محل خلاف است (و توفیق هشتصد هزار تومان) خیر ششصد هزار تومان برای اینکه بعقیده بنده این اصول قانون اساسی ما متزلزل نمیکند حاضر باین نشوید این ششصد هزار تومان بنده که همیشه مخالف هستم ب وضع مالیات این اندازه که بعنوان وضع مالیات عوارضی بر مستغلات و غیر آن وضع کنید و این قانونی که بر خورد بيك اصولی از قانون اساسی میکند و آنرا از بین میبرد حاضر

نشوید و چون شما یکی از قاندين دوره های انقلاب بوده اید و خدمات گرانبها کردید در این مسئله حاضر نشوید ششصد هزار تومان آقا این بودجه است آقای یاسائی شما بودید در کمیسیون سابق نهصد هزار تومان یا نهصد و پنجاه هزار تومان تمام مالیاتی که از این محل ما بشهرها تقسیم کردیم این بوده است سیصد هزار تومان را که شما قبول میکنید الان بدهید الباقی ششصد هزار تومان بیاید در تحت يك ماده بنده هم موافقت میکنم چرا برای همین نکته که عرض کرده اصل این مواد قانون اساسی است. این است نظریات بنده. حالا بنده این عوارض را حضورتان عرض کردم مضالعه فرمائید اگر قبل توجه است این را در نظر بگیرید يك قانون علیحده هم در روزنامه دیدم قانون مستغلات را دولت میخواهد تجدید نظر بکند در آن قانون مستغلات مثلاً وضع عوارض نسبت بشیائی که غیر محتاج الیه عامه است بر ضرر جامعه است وضع عوارض بر آنها بشود همانطور که تمام دنیا کردند و این مبلغی را که ما اختصاص داده ایم برای راهسازی تأمین شود دیگر این اصل را متزلزل نکنید این است عرض بنده و حکومت هم ب وجدان يك آقایان است

وزیر عدلیه - بنده خیلی با احتیاط صحبت خواهم کرد خیلی مالایه فقط چون دچار هستم صدایم طوری باشد که همه بشنوند اینست که تا این اندازه ما کمتر نمیتوانم صدایم را آهسته کنم برای اینکه میفرمایند بمن پیرمرد حمله میکنید. خیر دلایلی که آوردند آقا رو به مرقه تکرار دلایل سابق است برای اینکه میفرمایند بموجب اصل هیجدهم قانون اساسی که میگوید تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها وارد و قبول عوارض و فروعات این بایستی بمجلس بیاید و شما این کار را نکرده اید بنده عرض میکنم که دلایل سابقم را در نظر بگیرید که در مقابل آقا عرض کرده این توضیح را هم که حالا اگر نظر بر این شد که باید قانون را تغییرش بدهیم تغییرش میدهیم و اگر معلوم شد مخالف

نیست که هیچ در اینجا چه میگوید میگوید: همچنین رد و قبول عوارض و فروعات همچنان میزبهای جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهد بود خود این قانون بتصویب مجلس است اینجا نگفته است بموجب قانونی که از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد میگوید بتصویب مجلس است مجلس امر و رمی آید تصویب میکند که بلدیها این کار را بکنند انجمن بلدی این کار را بکند بعلاوه بنده سابق هم خدمتتان عرض کردم یعنی در مذاکره قبلی که بطور اختصار خدمتتان کردم که در قانون بلدیها همان قانونی که آقا از بس حمایت میکردید بالاخره در قانون همان مجلس اول که قانون اساسی را نوشته است این حق هست ضمناً برای اینکه وقتی وظایف انجمن بلدی را معین میکند میگوید خاستاً تعیین مقدار فروعات و عوارض که برای مصارف بلدیها از اهالی شهر گرفته میشود یعنی چه؟ عجب شما تفسیر را بد میکنید یعنی قانون اجازه میدهد بلدیها که عوارض را بگیرد و تعیین آن عوارض را انجمن باید بکند و الا آقا چطور مجلس باید قانون و مالیاتش را معین کند ولی مقدار عوارض را انجمن بلدی معین کند یک حقی بموجب قانون میدهند با انجمن بلدی و آنوقت انجمن بلدی میآید معین میکند که چه میز باید بدهند بعلاوه باز در جای دیگر میگوید تعیین مقدار عوارضی که باید مردم از بابت استفاده از راههای اطراف شهر و پلها و معابر و سلاخ خانه ها و اوله های مجاری آنها و زیر آنها که بخرج شهر ساخته شده است بدهند همچنان تعیین مقدار حق الارضی که باید شرکتهای کشتی رانی و صاحبان کشتی از بابت اسکله هائیکه ساخته شده است بدهند دیگر اینجا آن قسمت در قانون نیست پس بنا بر این در خود آن قانون هم که می بینید این حق وضع عوارض و تعیین عوارض شهری را آنجا هم داده بنا بر این بنده در این قسمت مخالفت این قانون و تنافیش با قانون اساسی دیگر نمیخواهم عرض بکنم. اما راجع باین قسمت آخری که پیشنهاد فرمودید خوب این تفاوت معامله که بیش از

ششصد تا نیست میفرمائید سیصد تا را قبول کردید ششصد تا را هم بیائید و بیفزائید مالیات معین کنید اولاً اگر این ششصد هزار تومان را شما بتمام این مملکت تقسیم بکنید بعلاوه آن چیزهائیکه از بابت مستغلات و اینها عاید بلدیها میشود میخواهید بلدیها شهرها را بکار بکنند بالاخره شهرهای دیگر هم یک سر و صورتی پیدا کنند؟ آخر شما اینجا را می بینید یک کارهایی شده است جاهای دیگر اینطور نیست کاری نشده است میخواهید کاری بکنند آنها یا نه؟ اگر میخواهید کاری بکنند تازه این ششصد هزار تومان را هم بدهید نرسد بجائی پس ما مجبور بودیم بیائیم یک مالیاتهای بیشتری وضع کنیم آنوقت پیش از ششصد تا شهرها بدهیم یا اینکه بگذاریم هر محلی باندازه استطاعت و حوائج خودش این کار را بکند پس بعبارت دیگری این ششصد تا کافی نیست از برای تمام این مملکت که ما بیائیم آنرا تأمین بکنیم باید یک مبلغ بیشتری گرفته شود و این را ما بهتر دانستیم بگذاریم برای شهرها هر شهری باندازه احتیاج و استطاعت خودش این کار را کرده باشد. علاوه بر این بالاتر و مهمتر از این مسئله دیگری هست که بنده آنرا میخواهم بخاطر آقایان بیاورم آن مسئله (کازرونی راه سازی) خیر آن مسئله تربیت اخلاقی اهل یک شهری است اینرا فراموش نفرمائید که اگر بنشیند اهل یک شهری خودشان یک پولی بدهند و بدانند صرف چه کاری میشود بدانند که اگر بیشتر دادند بخارج بیشتری برایشان میشود اگر کمتر دادند مخارج کمتری میشود خیلی تفاوت دارد و در همین گیلان در سابق وقتی که دولت مرکزی هم هیچ کارهایی نمیکرد خود مردم میآمدند یک عوارض میدادند و معارفشان را خودشان درست کردند بلدیها شان را خودشان یک سر و صورتی میدادند بندر پهلوی همینطور و هر قدر میدیدند که بهتر و قشنگتر میشود بیشتر تشویق میشدند ولی اگر شما بیائید از همین بندر پهلوی یک عوارض بگیرید که صرف بشود برای شهر شیراز با همه اهمیت که در تاریخ مملکت ایران دارد زورشان میآید پس باید اهالی هر محلی را

هر کسی را شرکت داد در این قسمت تشویقشان کرد که خودشان عادت کنند باینکه زیر خودشان را جاروب کنند جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت شوکتہ - تبصره ۳ را پیشنهاد میکنم بماده اول اضافه شود

تبصره ۳ - عوائد مالیات مستغلات هر محل و سهمی بلدیها از مالیات ذبیح اختصاص بلدیها همان محل خواهد داشت

پیشنهاد آقای مجد ضیائی

مقام محترم ریاست دامت شوکتہ

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۲ از ماده اول این طور اصلاح شود:

تبصره دوم - صدی دو بودجه بلدیهای ولایات که برای اجرت مهندسی بلدی مملکتی تخصیص داده شده کماکان تا اول مرداد ۱۳۰۹ صرفه جوئیهای حاصله از این محل باختیار وزارت داخله گذاشته خواهد شد که اجرت مهندس بلدی را پرداخت نمایند

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم تبصره ۲ حذف شود:

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد میکنم اول ماده اول بترتیب ذیل اصلاح شود از اول امر داد هذ السنه الی آخر در تبصره دوم هم قبل از ولایات نوشته شود ایالات

[۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - چند نفر از آقایان پیشنهاد ختم جلسه کرده اند (صحیح است) جلسه آینده آقای وزیر عدلیه جلسه آینده را چه وقت ضرور میدهند تشکیل شود

وزیر عدلیه - چون وقت من خبی کی است و از

اول امر داد ما باید این قانون را اجرا کنیم اگر آقایان موافقت میفرمایند جلسه روز سه شنبه باشد

دکتر عظیمی - پنجشنبه

رئیس - جلسه آینده روز سه شنبه پس فردا سه

ساعت قبل از ظهر دستور بقیه این قانون

[مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر